

او خواهد آمد و دل‌های به غبار نشسته‌ی ما را خواهد تکاند

14 بهمن 1404

می‌دانیم که خود، حجاب لقای مولایم و دل از غیر برنتابیده و به یگانگی نمی‌اندیشیم؛

ولی قسم به حقیقت انتظار، که درکنار خُم عشقت به صبوری ایستاده ایم.
ملامت اغیار و بیگانه پرستان، توان و تاب ما نخواهد ربود اگر چه دل از طعن بد اندیش، می‌سوزد.
در هنگامه‌ی غیبت که از دیده‌های بی‌سوی مان پنهانی، دردهای ناگفته، توان گفتن؛ چه آن‌گاه که آیی
و رخ به جلوه‌آرایی، ظهور تو درمان درد دیرین و مرهم زخم زمان فراق خواهد شد.